

حدیث نوروز

نوروز در کلام امام صادق(ع)

... روز نوروز، همان روزی است که خداوند در آن از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و هیچ شریکی برایش نیاورند و به فرستادگان و حجت های او و به امامان(ع) ایمان بیاورند. نوروز نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد... هیچ نوروزی نیست مگر این که ما در آن روز منتظر فرج هستیم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست... نوروز نخستین روز از سال ایرانیان است... چون نوروز فرا رسد، بدن خود را بشوی و پاکیزه ترین جامه هایات را بپوش و با خوشبوترین عطر ها خودت را معطر کن و در آن روز روزه دار باش. منابع: بحار الانوار، وسائل الشیعه

از اون لحاظ

سه نقطه پیشانوروز!



تا پخند نوروزی

- اگر فکر می کنین این که ما بدونیم چقدر چاق شدیم، از خورده شدن آجیل ها تون جلوگیری می کنه سخت در اشتباهین. عصبی می شیم بیشتر می خوریم!
- کاش یه عطری درست کنن بوی لباس نوبده بزنین به لباس قدیمی هامون!
- به خواهر م گفتم همه تو شرکت مون دارن میرن جنوب فرانسه و بارسلون، گفت عیب نداره شاید به تو که داری سه روز میری شمال بیشتر از اونا خوش گذشت، یاد فیلم های ایرج ملکی افتادم!
- تونونوایی به کارتن کوچیک گذاشته بود روش نوشته بود عیدی یادت نره! هیچی دیگه منم از توش ۱۰ تومن
- عیدی برداشتم برای خودم، دمش گرم به یاد مون بود!
- فامیل های ما میرن خونه یکی، بعد با همون ها میرن خونه بعدی. مثل گوله برقی هی بزرگ و بزرگ تر میشن!
- سوال نوروزی فامیل هامون فقط اونجاش که فرق طراحی صنعتی رو با نقشه کشی صنعتی و مهندسی صنایع نمی دونن و بعد از توضیح دادن ما در باره رشته تحصیلی مون میگن آهان، همون مکانیکه!
- حقاقل وقتی پیام تبریک عید رو واسه همه فور و ارد می کنید اون «کارمند کوچک شما، رحیمی» رو از تهش بردارید!
- اگه عید کسی از تون پرسید چرا چاق شدی؟ بگین غمیا، ده، از ندیدن شماست. بعد زل بزنین توی چشمش، هر کی دیرتر خندید!
- من حاضرم تورو بوسی ده تا بوس هم بکنم فقط به شرطی که اول تعدادش رو مشخص کنن!
- واقعا با باباها تون بهتون عیدی میدن؟ به من گفتن همین که هنوز می تونی سر سفره بشینی غذا بخوری عیدیته!
- تو عید فامیل هایی رو پیدا می کنی که اگه از ثبت احوال استعلام بخوای سه سال طول می کشه بفهمی چه نسبتی دارین!

آرزوی سلبریتی ها در سال جدید

این ها ساخته و پرداخته ذهن چند طنز پر داز است و پیشاپیش ضمن تبریک سال نو، هر گونه شباهت اتفاقی، سهویی، عمدی، خواسته، ناخواسته، شوخی و جدی را تکذیب و سالی پر از

با بچه های «همشهری سلام» دور هم نشستیم و تصور کردیم چند نفر از سلبریتی هایی که در سال ۹۷ خبر ساز بودند، برای سال جدیدشان چه آرزوها و برنامه هایی دارند. واضح است که

محمد جواد آذری جهری:
آرزو می کنم تا پایان سال ۹۷، فالوئران دو پیچ اینستا گرام و توئیترم، رکورد فالوئر های رونا لدورا بشکنند و پستی بگذارم که رکورد لایک آن تخم مرغ معروف را به نام خود کند و ایران و ایرانی سرش در تمام عرصه ها بالا باشد!

رامید جوان: کاش تو سال جدید، همه از این وسایلی که من میگم و خیلی هم راحت و ارزونه و اصلا باورتون نمیشه بخرن، ستاره فلان مربع رو شماره گیری کنن، الکی بخندن و دست بزنین، همه کنار خونواده هاشون خیلی خوب باشن، خیییییییییی! کاش امسال هی بریم بیایم، بریم بیایم، گاهی هم بریم نیایم!

حمید هیراد: اجرای ترانه «شوخی مگه» در صحن سازمان ملل بدون پلی بک، برگزاری تور جهانی آقای تصویر (صدا که پلی بکه)، بازی در یک قسمت فیلم «ستاره ای زاده شد»، ایرانیزه شده در نقش «بردلی کوپر» ایرانی در هالیوود، برگزاری مدرسه صدا با استفاده از تکنیک «کی به کیه، اینستاگرامو فقط دریاب»!

مسعود فراستی: آرزوهای این دوره همه مقوا هستند. ماقبل آرزو هستند. اما من شخصا علاقه مند به دوران اوج خودم بر گردم. همان فراستی که یک ربع هم توی سالن سینما دوام نمی آورد. متأسفانه امسال عجیب از اوج خارج شدم و از چهار فیلم یک جشنواره خوشم آمد.

کارلوس کیروش: ثبت رکورد قهر کن ترین مربی جهان در گینس، انتقال دانش پول شویی بدون بر چسب اختلاس به کشورهای حوزه بیورو، ثبت اختراع کلین شیت و گل زنی همزمان، ثبت اپلیکیشن «چقدر بگیریم برای مربی گری بدون زیر ساخت» و ریلیز آن در بازار های جهانی.

سردار آزمون:

دلیم می خواد یه اسب نو بگیرم کره صبحا بمالم رو پنیرم دلیم می خواد برم لیگ جزیره اگه سیتی نشه؛ چلسی رو میرم!

سالار عقیلی:

همیشه توی هر کانال هستم توهر کانال؛ کل سال هستم اگر چه توی ورزش تنبلم من توی خوانندگی فعال هستم!

علیرضا بیرانوند:

پنالتی رونا لدورو گرفتم و از همسایه کادورو گرفتم دخیا یا نویر فرقی نداره شاید من جای هر دورو گرفتم

عادل فردوسی پور:

کاش طول قد من کمتر شود تا که حال ریزه ها بهتر شود دشمنی ها کم شود امسال کاش رای مردم بین ما داور شود!

محمد رضا گلزار:

الهی قسم بر هرکس های ناب به پیش و به پس کردن هر جواب به هر راه ناخوب آسان قسم برنده شوم بی حساب و کتاب!

پرویز پرستویی: یعنی میشه امسال بتونم همه خبر های دنیا رو بخونم؟ در باره همه شون پست بذار مونظر بدم؟ یعنی میشه امسال توهمه فیلم های جنگی بازی کنم، و وسطش چندتا کمدی هم بازی کنم، دوتا درام هم بهم پیشنهاد بشه (حالا سریال هم بود نیست)، آخرش هم بگم خیلی گزیده و با دقت کارهامو انتخاب می کنم؟

جواد خیابانی: آرزویم این است که ساعت «برنارد» داشتهم، برای لحظه ای در زمان توقف می کردم و سوتی کمتر می دادم. فکرش را بکنید آن جایی که برایم سوال بود الان وارد فردا شدیم یا هنوز دیروز است، با ساعت برنارد چه چالش جالبی می شد!

احسان علیخانی: من که هر سال، لحظه سال تحویل تلویزیون هستم پس طبیعی است تا آخر سال کلا توی تلویزیون حضور داشته باشم. فقط یک بغضی توی گلویم گیر کرده که نمی دانم سال آینده بدون «ماه عسل» آن را کجا باید بریزم؟ که به له دوستان عصر جدید می فرمایند: «همین جا، همین جا»!

جواد ظریف: آرزوی من در سال جدید این است که بالاخره فونت و رنگ مناسب را برای پست اینستاگرامی پیدا کنم و اگر آرزوی آقای جهری برآورده شد، یک پست تبلیغی برای پیج من هم بگذارد که فالوئر هایم برود بالا!

فرهاد مجیدی: امیدوارم روزی برسد که هیچ کس از من نخواهد جایی را فوت کند. لایف دراهم می خواهند! بد کنک های جشن تولدشان را من فوت کنم. من اصلا در سال ۹۸ می روم راننده فرمول یک می شوم تا هر کس دیگر از من نخواهد جایی را فوت کنم. پوووو...

ته مقاله!

کاش حالمون بهترین حال بشه!

علیرضا کاردار | دبیر صفحه همشهری سلام

خدا رو شکر که یک بار دیگه به شماره آخر سال «زندگی سلام» رسیدیم و در این یک سال شما هم در کنار مون بودین. از طرف بچه های «همشهری سلام» سال خوبی برای همه شما خواننده های باوفا، باجنبه و با معرفت آرزو می کنیم و امیدواریم در سال جدید هم کنار مون باشیم، مارو بخونین، پیشنهاد بدین، پیام بفرستین، انتقاد کنین، تو مسابقه هامون شرکت کنین و بهمون انگیزه بدین تا بتونیم یک صفحه شادو آموزنده براتون تهیه کنیم. ان شاء... که بهتون خوش بگذره و خدای نکرده اگه بدی و کوتاهی سهوی از ما دیدین که دلخورتون کرده، بذارین زیر زغال های روسیاه مستون بمونه! التماس دعای مخصوص داریم ازتون و به امید دیدار دوباره تون این چند روز تعطیلی رو می گذرونیم. خوش باشین همیشه! :

روز پدر

«مردی نبود قتاده را پای زدن»
در روز پدر که آخر اسفند است

هشتت گروی نه نشد این جامردی
جوراب اگر ندی به بابا مردی!

سحر بهیجو

سه نقطه آجیلی!

در ماشیه افزایش سرسام آور قیمت آجیل در شب عید



شعر طنز

بگیریم!

امیرحسین خوشحال | شاعر و طنز پرداز

بیا یک مجلس ارزان بگیریم
شنیدم پسته خندان گران است
دبی رفتن عزیزم! مال ما نیست
اگر «مورینیو» ایران نیامد
برای آن که هر شب آش خورده
حقوقت می شود آجیل و میوه
بهای درد با درمان زیاد است
برنج کیسه ای خیلی گران شد
برای راه ورسم میزبانی
همین حالا بیا یک پیامک
(slmmami. Khubiajjam?)
+ سلام بسم. جقدر پول می خواهی؟!
EEpmdadamhaltobpsorsamfaghat.
+ می دانم. اما عدد بدیده بفرستم. بمرت هم این گونه است!
Ysherbdtashgoftbdbmamanapmbdim
+ چه خوب. خدا کند شاعرش هم این کار را کند. پول راریختم!



شعر طنز

سلام و خدا حافظ!

سحر بهیجو | شاعر و طنز پرداز

گفتا چه بود کارت؟ گفتم بدون کارم
گفتا معدلت چه؟ گفتم که خوب و عالی
گفتا هنوز هستی بی سایه و مجرد؟
گفتا که دیر باشد، دلشوره ای نداری؟
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و بهمن، در اوج بی خیالی
گفتا بلی و سبلی بروی صورتش زد
گفتا که خوب هستم فعلا اگر بذار
گفتا که تار مویت قدری سفید هم شد
گفتا که عمه آن همسایه ات هستی؟
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که بعد از عید آمد و بیینی اقوام صد نسب دور
گفتا که وضع درست؟ گفتم بسواد دارم
گفتا که خوب و